

هر کشوری در دنیا مسیر متفاوتی از دیگران را برای توسعه و پیشرفت پیموده است؛ به سختی می‌توان دو ملت را یافت که با الگوها و راهکارهای یکسان به توسعه رسیده باشند. کشور ما به عنوان یک کشور در حال توسعه تاکنون مسیره‌ها و راه‌های گوناگونی را آزموده و به آنچه می‌خواسته هنوز نرسیده است. عده‌ای بر این باورند که ما پس از انقلاب هنوز به الگوی توسعه مختص خودمان دست نیافته‌ایم. سیدمرتضی نبوی یکی از این افراد است و می‌گوید: «ما باید الگوی ایرانی - اسلامی را در نظر داشته باشیم. اگر به این الگو نرسیدیم، به این معنا نیست که شکست خورده باشد. در حال حاضر در این زمینه تلاش‌هایی انجام می‌شود.» به سراغ ایشان رفتیم تا بیشتر درباره توسعه و فرایند رسیدن به الگوی خاص توسعه ایرانی - اسلامی صحبت کنیم.

سیدمرتضی نبوی مدیرمسئول پیشین روزنامه رسالت و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است. او چند دوره نماینده مجلس و وزیر پست و تلگراف در دوره جنگ را هم در کارنامه دارد. نبوی هم‌اکنون در مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه مشغول تدوین مدل مفهومی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. مشروح گفت‌وگوی «ایران» با ایشان را در ادامه می‌خوانید.

تاکنون شش برنامه توسعه در کشور اجرا شده است و کارشناسان هم نظر هستند که این برنامه‌ها به اهداف نرسیده‌اند. به نظر شما مشکل کار از کجاست؟ چرا اهداف برنامه‌ها محقق نمی‌شود؟

ما نگاهی کلی و برداشتی کلی از این برنامه داشتیم؛ با توجه به اینکه مرسوم است آرمان و اهداف را در برنامه‌های ۵ ساله جمع کنند، دولت و مجلس دوست داشتند تمام سیاست‌ها و اهداف، در تمام برنامه‌ها در نظر گرفته شود. به دلیل اینکه تدوین آنها با واقعیت تطابق نداشت، درصد کمی از این برنامه‌ها تحقق یافته است. این اتفاق غیرطبیعی نبود؛ چون که عموماً اهداف برنامه‌های توسعه براساس امکانات و واقعیت‌ها نبود. اگر اینها تدوین نمی‌شد، شاید اتفاق خاصی هم رخ نمی‌داد و در کل تحول خاصی ایجاد نکرد. اگر برنامه‌ای در جهان تدوین شود، شاید به برخی از اهدافش نرسد. این موضوع در کشور ما معکوس است و فقط به برخی از اهداف برنامه دست پیدا می‌کنیم.

در سال ۱۳۷۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام با حکم رهبر تشکیل شد و برای اولین بار قرار بود در سیاست‌های کلی به ایشان مشورت بدهد. رهبر از مجمع خواستند که در سیاست‌های چشم‌انداز ۲۰ ساله هم مشورت بدهد. ما چشم‌اندازی ۲۰ ساله خدمتشان ارائه دادیم که با انجام برخی اصلاحات، ابلاغ کردند.

در این چشم‌انداز ۲۰ ساله، اهداف بزرگی پیش‌بینی شده است؛ از جمله اینکه ما در ۲۰ سال آینده در منطقه آسیای جنوبی غربی، از نظر اقتصادی و علمی رتبه اول را به دست بیاوریم. انتظار داریم برنامه‌های ۵ ساله، یک چهارم گام برای رسیدن به اهداف ۲۰ ساله باشد. اگر ۴ برنامه ۵ ساله تدوین و اجرا شود، به چشم‌انداز ۲۰ ساله خواهیم رسید و این اتفاق تقریباً رخ نداده است.

باید ارتباطی میان سیاست، چشم‌انداز و برنامه‌های ۵ ساله وجود داشته باشد. باید هر بودجه‌ای در برنامه‌های سالانه، یک‌پنجم هدف هر برنامه ۵ ساله را تأمین می‌کرد که این ارتباط هم محقق نشد. کار از ریشه اشکال دارد و این منطق

وجود ندارد. یکی از علت‌هایش این است که بودجه‌ها به‌شکل قدیمی خود وجود دارند و هر سال ردیف‌هایی برای هزینه جاری به آنها اضافه شده است. در سال‌های اخیر، با توجه به درآمد نفتی و تحریم، درآمدهای کشور صرف هزینه‌های جاری شد. هزینه‌های سنگینی مانند پرداخت یارانه‌ها و مسائل دیگر نیز بی‌تأثیر نبود و باعث شد تا این اتفاقات رقم بخورد.

مجلس، دولت و رسانه‌های خودی به توقعات مردم از دولت دامن زدند. یکی از نمایندگان می‌گفت که بودجه مانند قطاری شده که هر کسی می‌رسد، سوار می‌شود و پیاده نمی‌شود؛ یعنی ردیفی به بودجه هر سال اضافه می‌شود و تمام نمی‌شود. با این شرایط بودجه‌ها تجزیه شده و کار حسابی و بزرگی نمی‌توان با آن انجام داد و سبب نارضایتی همه می‌شود. تمام نمایندگان انتظار داشتند که در منطقه خودشان پروژه مناسب داشته باشند اما این اتفاق رخ نداد. برنامه‌های گذشته به این شکل بود و هر مجلس دولتی که آمد، وعده داد.

در نظام‌هایی که مجلس و دولت منتخب مردم است، مجلس دومی به نام مجلس سنا وجود دارد که افراد فرهیخته‌ای در آن حاضرند و برخلاف مجلس شورای اسلامی که منافع مقطعی را در نظر می‌گیرد، منافع بلندمدت مردم را در دستور کار قرار می‌دهند. این دو مجلس یکدیگر را کنترل می‌کنند؛ اما در کشور ما این طور نیست.

سال‌هاست کسری بودجه ساختاری داریم؛ یعنی طرف درآمدهای بودجه، مقابل این هزینه‌ها قرار نمی‌گیرد و بین آنها تعادل وجود ندارد. ما با عددسازی آن را تراز کرده و می‌گوییم که کسری بودجه نداریم. این کسری‌های بودجه، یکی از عوامل گرانی و تورم است. این بودجه هرگز نمی‌تواند یک‌پنجم برنامه توسعه باشد؛ چون این قطار راه خودش را می‌رود و عده‌ای هم سوار آن می‌شوند. بودجه برای اهداف ۵ ساله طراحی نمی‌شود. اتفاقی که در اقتصاد ما افتاده، به دلیل این است که درآمد ما به دست دولت افتاد، دولت نیز نفت خام استخراج کرد و بر توقع مردم چنین تأثیری گذاشت.

سازمان برنامه و بودجه هم در این مسأله تأثیرگذار است؛ زمانی که سازمان برنامه و بودجه مغز متفکر اقتصادی بود، به بودجه ربطی نداشت. این سازمان قرار بود با درآمد نفتی، برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای را پیش ببرد. از وقتی که بودجه به این سازمان آمد، این مشکلات ایجاد شد. این سازمان به جای اینکه فعالیت‌های توسعه‌ای انجام دهد، بر بودجه‌های جاری و مسائلی از این دست تمرکز کرد و از وظیفه اصلی خود عقب ماند.

ما در این مشکلات، ضعف آماری هم داشتیم؛ برخی آمارها را تولید نکردیم و گاهی آمارها را مخفی کردیم. دستگاه‌های دولتی که متولی تولید آمارند، آمارها را در اختیار صاحب‌نظران قرار نمی‌دادند. ما ضعف ارزیابی از تحقق اهداف بودجه هم داریم؛ دیوان محاسبات که زیر نظر مجلس است، سعی کرد تبصره بودجه‌ها را در مسیر بودجه‌ها بررسی کنند، در حالی که عمده بودجه اثری در تبصره‌ها ندارد. در پایان، ارزیابی دیوان محاسبات کارایی نداشت.

سازمان بازرسی کل کشور هم بررسی‌هایی کرد. یکی از مشکلات از نظر برخی کارشناسان، دوره‌های برنامه ۵ ساله است. هر دوره مجلس و دولت ۴ ساله و برنامه ۵ ساله است. نباید به این شکل شود که هر دولتی برنامه خودش را اجرا کند. به دلیل عزل رئیس‌جمهور اول، فاصله‌ای میان دولت و مجلس و فاصله‌ای میان برنامه ۵ ساله، دولت و مجلس وجود دارد. همین موضوع باعث می‌شود دولت جدید،

اگر برنامه‌ها ۴ ساله شود، هر دولتی که بر سرکار می‌آید، برنامه خودش را اجرا می‌کند و پاسخگوی برنامه خودش خواهد بود